

□ اشاره:

گرفته‌ایم. و برای اتفاقات و رویدادهایی که رخ می‌دهند، به گونه‌ای توجیه علمی بیابیم. و بعد از تعریف مسئله، به صورت یک طرح و پروژه، مطالبی را ارائه دهیم و طراحی و تحقیق کنیم و سرانجام آن را اجرا نماییم.

دفتر با چند نفر شروع به کار کرد. پس از مدتی، حدود ۱۰۰ تن پرسنل در ۷ استان - به جز استان مرکزی - مشغول فعالیت شدند. به رغم اینکه اطلاعاتی که ما می‌خواستیم گردآوری کنیم، هنوز ثبت نشده بود و

هنر چیست و ابزار هنری کدامند؟ آیا هنرمی‌تواند سیاست حفظ آثار و ارزشهای انسانی را بدوش کند؟ شاخه‌های مختلف هنر، هر کدام چگونه می‌توانند در خدمت این رسالت قرار گیرند؟ و بالاخره، هنرمندان که هر کدام پرتوی خاص دارند، چگونه عمل خواهند کرد؟ بدون شک هنگامی زیباییهای ارزشمند انقلاب و جنگ تحمیلی در صحنه تاریخ ترسیم خواهد شد که آن پرتوها و رنگهای متنوع با نظمی خوب و پسنده در کنار هم قرار گیرند و تنها در این حالت است که دامان پُر مهر فرهنگ اسلامی آن آثار را درون خود خواهد پذیرفت و آنها را جاودانه خواهد ساخت.

باری، در این زمینه‌ها گفتگویی داریم با مهندس سیدغلامرضا اسلامی، مسئول دفتر حفظ آثار و ارزشهای جنگ تحمیلی که متن آنرا در زیر از نظر می‌گذرانید:

گفتگویی با مهندس سیدغلامرضا اسلامی، مسئول دفتر حفظ آثار و ارزش‌های جنگ تحمیلی

هنر و دین، جدائی ناپذیر و در آنسی مدام

* * *

در آغاز درباره‌ی دفتر حفظ آثار و ارزش‌های جنگ تحمیلی توضیحاتی بفرمائید.

● بسم الله الرحمن الرحیم. با درود به شهدا، پیشاپیش، مقدمه‌ای درباره‌ی تاسیس دفتر حفظ آثار و ارزش‌های جنگ تحمیلی بگویم: اواخر سال ۶۳ بود که دفتر حفظ آثار جنگ، زیر نظر معاونت محترم امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد. معاونت هنری به عنوان مجری طرح و من هم به عنوان مسئول دفتر، کار را شروع کردیم. البته در آن زمان، زمینه‌ای در دفتر فنی دانشگاه شهید بهشتی در مورد حفظ آثار و ارزشهای جنگ تحمیلی ایجاد شده بود، اما مسائل مطروحه‌ی آن بسیار کلی بود.

در این دفتر ما کوشیدیم تا ساخت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه‌مان را به صورت یک مدل گویا ترسیم کنیم. پس آنگاه، آن را به‌نگام کنیم و ببینیم که در چه مومئیت و مختصات زمانی / مکانی قرار

به اصطلاح، اطلاعات زنده و در اختیار افراد بود، کوشیدیم به صورت یک برنامه‌ریزی افقی حرکت کنیم؛ یعنی از تمرکز اطلاعات در بخش تحقیق خودداری کردیم، و از همین جا بود که کار گسترده شد. در ۷ استان کارگاههایی زدیم و دفاتری ایجاد کردیم و زمینه‌ی رسوب دادن و تثبیت اطلاعات را آماده ساختیم. جداول و سئوالات و ابزارهایی هم داشتیم که توسط آن ادوات و ابزارها، ما توانستیم اطلاعات را تثبیت کنیم. سپس طی یک ساخت و مکانیزم مشخص، این داده‌های اطلاعاتی را در جایی آوردیم و با یک روش درست علمی آنها را

متمرکز ساختیم. و پس آنگاه، مسئله بهره‌برداری بود و اینکه این ارزش‌های شناسائی شده، در روند حرکتی جامعه حضور یابند و نقشی را به عهده گیرند! ما به این پروژه، به صورت یک طرح اطلاعاتی انباشته شده در وزارت برنامه و بودجه نگاه نکردیم، چون زمینه این کار در جامعه حس می‌شد و اساساً به صورت عملی در جامعه وجود داشت. مردم تحت تأثیر این ارزش‌ها و عوارض و تبعاتی که از جنگ تحمیلی ناشی می‌شد، قرار داشتند و بی اطلاع نبودند. و هم مسئولین و هم مردم — همه —



اطلاعات کافی داشتند و درگیر مسئله بودند.

تثبیت این اطلاعات و ارزش‌ها، بهتر شناخته شدن و محفوظ نگهداشتن آن‌ها از تحریف‌هایی که احتمالاً وجود دارد، فرار بودن‌شان و یا در مختصات مکانی مناسب قرار دادن و تبلیغ مناسب براساس آن کردن، از جمله مسائلی بود که می‌بایستی بدان عمل می‌کردیم. پروژه ما عملاً دیگر یک پروژه جزیمی و خشک نبود. و از این روی، حضور خود را در فعالیت‌های جمهوری اسلامی باید نشان می‌داد و دست به عمل می‌زد. این بود که پشت درهای بسته عمل نکردیم. فعالیت‌های ما فعالیت‌های رفتاری بود و در جامعه حضور و چشم‌انداز داشت. سخنرانی‌ها داشتیم، مصاحبه‌ها انجام دادیم و پژوهشگرانی هم داشتیم و بعضی از اعضای جهاد دانشگاهی را به مناطقی فرستادیم و تأثیر و تأثراتی برقرار شد.

کار ما، صرفاً کاریک اکسپ تحقیقاتی نبود و عملاً در کار اجرایی بودیم؛ منتها حضورمان به صورت مختلف تبلیغی و تحقیقی بود. بعد از چند سال، با افت و خیزهای زیادی که داشتیم و نیز به‌رغم بودجه و امکانات کم، به حمدالله، خدا خواست و قسمت اول کارمان که پژوهش و تحقیق درباره آثار و ارزش‌های جنگ بود، به صورت عینی درآمد و کارتکس‌هایی از اطلاعات ذخیره کردیم و آنها را نه به شکل سیستم‌های کنگره یا دیوئی، که به شکل نمایه‌سازی درآوردیم. و این کار در استان‌های مختلف هم انجام گرفت. با استان‌ها هم مبادله اطلاعات می‌کردیم. سمینارهایی نیز برگزار کردیم. ما حس می‌کردیم برای اینکه اطلاعات سریعتر رد و بدل شود و نیز با توجه به تعریف عمومی ما از جامعه و ویژگی‌های آن و هم اینکه متأسفانه قدرت ما در فن تدوین کم است، باید این سمینارها برگزار می‌شد. احساس می‌کردیم که برگزاری سمینار، برای این مقطع مملکت، حرکت بسیار خوبی است و باعث همگنی و همگونی و تعالی بیشتر افکار و حتی تشکیلات

می‌گردد. از این روی سمینارهایی ترتیب دادیم که یکی از آنها - که توفیق رفیقش هم بود - سمینار حفظ آثار و ارزش‌های جنگ تحمیلی بود که از ۳۰ آذرالی ۲ دی ۱۳۶۶ در اهواز برگزار شد. ترکیب شرکت‌کنندگان در این سمینار، از کادرهای گونه‌گون بود: از انبوه مردم تا متخصصان مختلف و متفاوت، از دانشجویان و نظامی‌ها و کسانی که از اصحاب و اوتاد فرهنگ و هنر بودند حضور داشتند و به هر صورت از هر قشر و طبقه‌ای، نمایندگان در اهواز داشتیم. و در همین سمینار بود که واقعاً ضرورت حفظ آثار و ارزش‌های جنگ تحمیلی و حتی ضرورت دستیابی به امکانات بیشتر و گسترده‌تر هم، بررسی و تأیید شد.

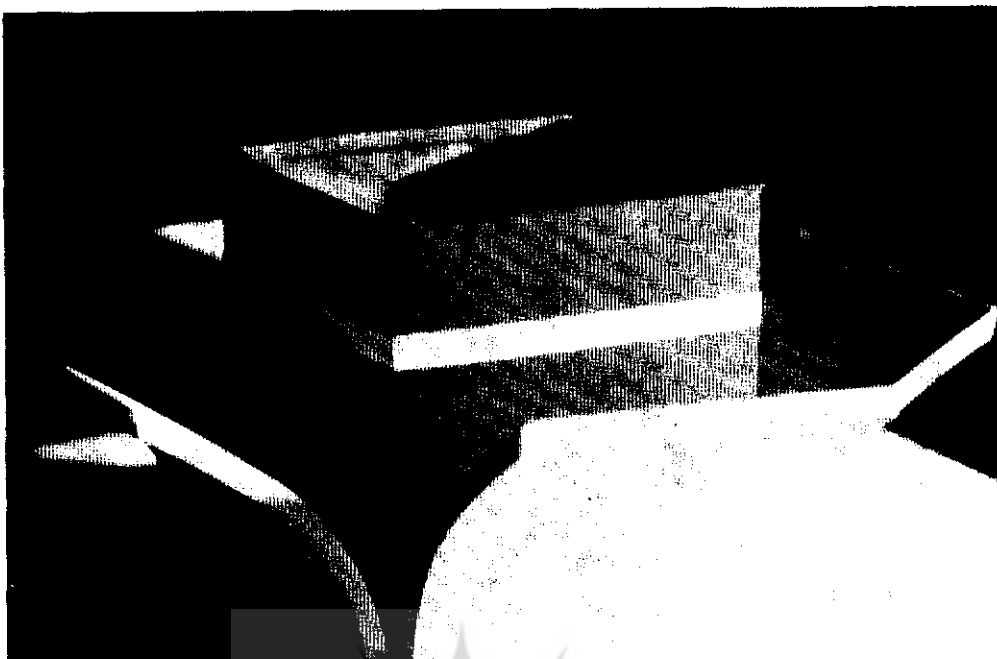
یکی از اهدافی که سمینار اهواز مطمح نظر داشت، این بود که مسئولان اجرایی استان در عمل دست به ابتکاراتی برای حفظ آثار و ارزش‌های جنگ تحمیلی بزنند و نکته دیگر هم پیشنهاد ایجاد و ابداع بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های جنگ تحمیلی بود. ما این دو پیام را تعقیب کردیم و الحمدلله مؤثر هم بود و تاثیر زیادی گذاشت. کارهای پژوهشی ما، پس از چند سال عینی شد و در زمینه طراحی اقداماتی کردیم. ۱۸ شاخه هنری را برشمرده بودیم که از قسمت‌های تصویری، رفتاری، نوشتاری و گفتاری تشکیل می‌شد. قسمت‌های تصویری مثل فیلم، عکس، نقاشی و خط/نقاشی، کاریکاتور، پوستر، گرافیک، معماری نقشه و در زمینه نوشتاری اسناد و مدارکی چون کتاب، مجلات، روزنامه‌ها و اسناد گفتاری/ رفتاری مثل نوار کاست، صدا، تئاتر، و کنفرانس و مسائلی از این گونه و دست‌را، در راستای داد و دهش‌های اطلاعاتی، فی‌الجمله و یکسره و یک‌جا گرد آوردیم. ما در تمام این زمینه‌ها دست به گردآوری و ذخیره‌سازی اطلاعاتی زدیم و در ۲ شاخه، یعنی معماری و مجسمه‌سازی به طراحی هم پرداختیم. دلیلش هم این بود که این ۲ شاخه در محل و منطقه جنگ قابل پیاده شدن و اجرا

بود؛ چرا که اگر بخواهیم بنای یادبودی بسازیم یا تندیس فراموش‌ناپذیر هستیم که به منطقه برویم و کار را آنجا انجام دهیم، که البته تخصص ما هم در این دو قلمرو بود. پس دست‌اندرکار ساختن یک سری یادبودهایی شدیم که این کار هم - هر چند به عنوان شروع - اما مؤثر و سودمند واقع شد و حرکت‌هایی را ایجاد کرد. در بعضی از شهرها پیش روی پاره‌ای از حرکت‌های خلاف در زمینه میادین ایستادیم و کارهای تشکیلاتی انجام دادیم. و الا پس از طی ۴ سال، کانون مجسمه‌سازان ایران را تشکیل داده‌ایم و کلیه فعالیت‌های مجسمه‌سازی، زیر نظر این کانون انجام می‌گیرد.

با برنامه‌ریزی‌هایی که در این زمینه انجام شده انشاءالله موفق خواهیم شد معضلات و مشکلات میادین استانها را در کل کشور حل کنیم و در دیگر شاخه‌های هنر بخصوص در زمینه هنرهای تجسمی، با قبول مسئولیت مرکز هنرهای تجسمی، نیز پیگیر موضوع هستیم. تدوین جدول موضوعی مربوط به آثار و ارزش‌های جنگ و شرکت در نمایشگاه‌هایی که به مناسبت‌های مختلف در این زمینه انجام می‌پذیرد و انجام پاره‌ای دیگر از فعالیت‌ها، همچون اختصاص تالاری از موزه هنرهای معاصر به کار انقلاب و جنگ و محور قرار دادن آن در برنامه‌ریزی مجموعه فرهنگی آزادی باعث زنده ماندن و در جریان قرار داشتن این آثار و ارزشها شده است.

از دیگر اقداماتی که توسط دفتر انجام پذیرفته، تهیه جغرافیای جنگ تحمیلی است که با روش اطلاعات انفجاری از ماکرو تا میکرو مختصات مکانی حادثه‌ها همراه با تاریخ و عامل حوادث و درصدهای تخریب تهیه گردیده و جداول و تقویم‌های نمایش دهنده عملیات مختلف و درجه‌بندی حادثه‌ها همراه با برر و شور و کاتالوگ‌های گوناگون تهیه و در سراسر کشور توزیع شده است.

کتابهایی نیز در این زمینه چاپ و در اختیار مسئولین



دانشمندان قدیم و جدید، عالم هستی را به جماد و نبات و حیوان و انسان تقسیم بندی نموده اند که در دو دسته کلی جاندار و بی جان یا سیستم های بسته و باز تقسیم می شوند. در سیستم های بسته که عنصر با محیط خود به تعادل رسیده است، محرک انرژیست و به ماده مجرد (فنونم)، استاتیک، دینامیک، سیرنیتیک قابل قسمت است.

در سیستم های باز که موجود زنده در حال جستجوی تعادل با محیط اطراف خویش است، علاوه بر انرژی که بقاء او را تضمین می نماید، اطلاعات محرک اوست و بدون آگاهی و اطلاع فانی شده و از بین می رود؛ یعنی محرک این نوع سیستمها اطلاعاتی است که بصورت غریزی، فطری، اکتسابی (علمی) وجود دارد. در تعریف سیستمها، سیستم زیرین عامل وجودی سیستمهای مافوق بوده و بالعکس سیستمهای مافوق سیطره و تسلط بر پائین تر از خود دارند. و از این روست که جهت تعریف هر سیستم، از تعریف سیستم مافوق آن

است، فیلم های آموزشی بصورت ویدئو نیز تهیه و توزیع گردیده است. اکثر فعالیت های هنری بصورت تجسمی تصویربرداری شده و با دعوت از متخصصین و هنرمندان بدین جرگه، تلاش گردیده امکانات بیشتری را به این موضوع اختصاص دهیم، تا خدا چه بخواهد.

برای تحقق بخشیدن به حفظ آثار و ارزشهای جنگ تحمیلی ناگزیر از طرح هدف های غائی و شناخت امکانات و بستر کار و انتخاب روش هایی بوده اید. در این مورد توضیحاتی بفرمائید.

● تصور اینجانب و کارکنان دفتر بر این است که برای دستیابی به اهداف غائی و پیدا نمودن روش های مناسب جهت انجام پاره ای از اقدامات مؤثر می بایستی ناچاراً در بعض موارد دیدی مکانستیک نسبت به موضوع داشته و در عالم ناسوتی و عینی قدمهایی برداشت. لاجرم ساخت و بافت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه خود را بصورت مدلهائی دارای پتانسیل های ارزشی قابل توجه مطرح می نمایم.



استفاده می نمایند. برای مثال، در سیستم‌های باز که از سلول گیاه، حیوان، انسان، اجتماع تشکیل می شود، برای تعریف انسان اجتماع او را شناسائی و تحقیق می نمایند.

از آنجائیکه انسان و اجتماع از هر سه محرک اطلاعاتی غریزی فطری و علمی برخوردار هستند، تفاوت عمده‌ای با دیگر موجودات زنده داشته و قابلیت جابجائی در طبقات مختلف را پیدا می نمایند. بنظر می رسد که یکی از معانی تکامل، طی طریق به سیستم مافوق است و عکس این مسیر حرکتی است ضد تکامل و اگر این فرض درست باشد همیشه در طول تاریخ دو گونه تلاش، یکی در جهت به انزوا بردن انسان و نزول درجات او به درجه حیوانی و گیاهی و پائین تر از آن بوده و دیگری در اعتلای او و گذر از نباتی به حیوانی و انسانی و نهایت اجتماعی کوشش می کرده است. موضوعی که این روزها بسیار قابل لمس و چشم گیر است، سعی و تلاش در تحقق نیافتن حکومت‌ها و تشکیلات انسانی است و بالعکس تلاش در به انزوا بردن انسان و در اگزیزست‌های مختلف محبوس کردن اوست. این سیاست از طریق مخدوش کردن عوامل مختلف علمی، هنری، دینی صورت پذیرفته و با تفکیک و انشقاق این هر سه، این نیت غیرانسانی بهتر تحقق می یابد.

در حکومت‌های واقعی که در آن تقسیم وظایف وجود دارد، در حقیقت مردم در تشکیل آن نقش مؤثر داشته، و حکومت‌های دلخواه خود را می سازند. اکثر این اجتماعات را می توان گروه‌هائی دانست که رابطه مستقیم و قانون و قراردادهای اجتماعی با مردم در آن، مانند رابطه شبان و گوسفندان است و بارها با نبود قانون، از هم پاشیدگی و بهم ریختگی در آنها مشاهده شده و عامل تشکل بیرون از اجزاء سیستم بوده است. لیکن در حکومتها و اجتماعات واقعی، مواقعی که کنترل کننده‌های خارجی حذف یا ضعیف می گردند، کنترل کننده‌های داخلی و فردی، که همان وجدان‌های

آگاه است، نقش هدایت و کنترل را بعهده می گیرند و جاذبه‌های تشکیلاتی از درون و بیرون است.

شاید متعالی ترین هدف دنیوی، مسلمانان، تشکیل حکومت اسلامی باشد و تهیه امکانات و ایجاد بستر مناسب برای رشد انسانها و انسانیت باتوجه به فرامین معصومین (ع) و رهبری فقیه عادل، و این میسر نمی گردد مگر از طریق پرداختن به اصلی ترین و مهمترین پارامترهای مدیریتی که همانا انگیزه‌ها، اطلاعات (علمی، دینی، هنری)، عوامل و تشکیلات، منابع و محیط است و در قسمت اطلاعات، تشکیل حافظه‌ای قوی و غنی از موارد ذکر شده، اهمیت بسیار دارد. البته توصیه‌ها و دستورات و احکام اسلامی، اشارت کامل بر ایجاد رابطه مناسب و به تبع آن، برقراری جریان اطلاعاتی سالم دارد و ما را در مبارزه‌ای که علیه امپریالیسم خبری در دنیای امروز می بایستی انجام دهیم، پشتیبان و رهگشا است؛ هر چند دامنه این مبارزه، آنچنان وسیع است که قسمتی از تحریم‌های اقتصادی مواردی که در تولید، تکثیر و توزیع و ذخیره سازی خبر و اطلاعات مؤثرند و قدرت برنامه ریزی در این زمینه را کاهش می دهند، به این امر اختصاص دارد. سیطره آنها از طریق اغتشاش اطلاعاتی، محدود کردن مواد اولیه، محدود کردن مواد اطلاعاتی، ایجاد و سگته‌های اطلاعاتی یا ایجاد ذخیره‌های بلااستفاده و یا دور از دست، متناسب نبودن حجم اطلاعات و قشری بودن آن، میل کردن اطلاعات فرهنگی، هنری بسمت اخبار و تبلیغات زودگذر، تخریب حافظه‌های اطلاعاتی و کاهش مراکز اسناد و کتابخانه‌ها و... صورت می پذیرد و علاوه بر قطع ارتباط با گذشته و از دست دادن هویت فرهنگی، زمینه پذیرش هرگونه برنامه تحمیلی را ایجاد می نماید. سالیان سال است که نیروهای انسانی جهان سوّم، بگونه‌ای آموزش داده شده‌اند که نوعاً اطلاعات را خاص، پیچیده و مخفی می نمایند و این در زمانی است که بستر تحقیقات خودی از هم گسیخته است و آبشخور

اطلاعات آنها غیربومی است.

در موارد غیرعلمی که بار فرهنگی و ارزشهای اعتقادی، سنتی بالاست، این نکته قابل لمس تر است. هر چند مجال بحث و گفتگومی بایستی، متناسب با ظرفیت مقال باشد و بسیاری از مطالب ناگفته مانده است، سعی من بر این بود تا حساسیت کار در زمینه اطلاعات خبری و نقش و کاربرد آن را به حد بضاعت توضیح داده و تشریح نمایم و به تبع آن، تأثیر ارزشهای ناشی از جنگ تحمیلی را (که منشاء اعتقادی قوی دارد) بر هر یک از درجات کمی و کیفی این ساخت هستی بازگو نمایم:

دارد و بر بستر فرهنگ و هنر حرکت می نماید، استفاده نموده و با بکارگیری هر دوروش آمایشی جهت تمرکز اطلاعات و اعتلای آن و درون زائی جهت گسترش تشکیلات و ایجاد نظام تحقیقاتی در سرتاسر کشور استفاده نموده و نقش هماهنگ کننده بین سازمانهای ذیربط را بعهده داشته و در جاری شدن اطلاعات و در معرض قرار گرفتن آن کوشش هائی نموده، در تربیت کادر متخصص در زمینه های مورد بحث و استفاده و بهره گیری از تخصص های موجود نیز تلاش داشته است.

طرح ایجاد بنیاد حفظ آثار و ارزش های جنگ تحمیلی چه سرانجام و فرجامی یافت؟



● اخیراً با ستاد فرماندهی کل قوا، که معاونت فرهنگی هم یکی از شاخه های آن است، همکاریهایی داشته ایم. در نمودار سازمانی که آنها دارند، بخشی بنام حفظ آثار جنگ تحمیلی پیش بینی شده و الحمدالله با تصویب این چارت سازمانی، قوت قلبی هم در ما ایجاد شده است. چون قبلاً حضور ما به صورت طرح و برنامه بود، ولی الان این واژه (حفظ آثار و ارزشهای جنگ تحمیلی) به صورت نمودار سازمانی وجود دارد و ما هم سعی کردیم که از طریق جلساتی بین همه ارگانهای

مسئلاً راه حل های اصولی، ایجاد مکانیزم فعال و رشید متناسب با جمهوری اسلامی ایران است که می بایستی از شناسائی امکانات بالفعل شروع و با برنامه ریزی های دقیق امکانات بالقوه را افزایش داده و در سایه وجود قوانین و احکام منبث از ایدئولوژی اسلام و در جو سالم و روان آرام و جستجوگر اجتماع، سیاست های لازم را جهت این مهم تدوین نمود. دفتر حفظ آثار و ارزشهای جنگ تحمیلی، از روش های ساده و بین که قابلیت گسترش و تعمیم را



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روایتی از مع علوم انسانی

دست اندرکار، طرح بنیاد حفظ آثار و ارزشهای جنگ
تحمیلی را زیر نظر معاونت فرهنگی ستاد فرماندهی کل
قوا پیشنهاد کنیم. و اگر خدا بخواهد و طرح ایجاد بنیاد
تصویب شود، دیگر رسالت ما تمام شده، و قضیه مستولی
به حقش را یافته و پرستاب تر و با امکانات بهتر حرکت
خواهد کرد و به تبع آن موزه حفظ آثار و ارزشهای جنگ
تحمیلی هم تأسیس خواهد شد.